

سرفقاله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبادل اندیشه مهمترین رشد باروری انسان است :

* * *

با این اعتقاد دور هم جمع شده ایم ، اردو زده ایم .
و برای هم نمایش میدهم و تفکرات و ذهنیتها یمان را به
صحنه میبریم و در راستای صحنه نمایش است که فردای
آن روز ، در جلسات نقد و بررسی گرد می آئیم .
و بر چوب و تخته و زمین برهنه می نشینیم تا رویا هایمان
" بارور " شوند . تا تبادل اندیشه کنیم .

آزاده ، وارسته ، هنرمندانه ...

فضا را با سوالات خصمانه آلوده نکنیم !

با پیش داوری در جلسات حضور نیابیم !

باور کنیم که آمده ایم تا بقول آن کارشناس هنرمند

تئاتر ، توپ را بدهیم ، راکت شمارا بگیریم و در روی

میز دیگری بازی کنیم .

مسابقه بهانه است ، برنده و بازنده مهم نیست . مهم این

برخورد است ، این با هم بودن و یکی شدن است .

* * *

اگر در جلسات نقد و بررسی بخواهیم با طرح سوالات

آنگونه ای ، دلی را بیازاریم و چیزی را که در وجود

خودمان هم شاید کم باشد ، به رخ دیگری بکشانیم ،

مطمئناً از " منیت " سرچشمه گرفته است و این " من "

همان شیطان است .

والسلام

۱۳۰۲ هـ ش

شماره

ششمین



شماره

۶

انتشارات و روابط عمومی ستاد
برگزاری ششمین جشنواره
سراسری تئاتر فجر
بهمن ۶۱

انتشارات و روابط عمومی ستاد

برگزاری ششمین جشنواره

سراسری تئاتر فجر



فصلکوباد بیست و ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

هنرمندان تئاتر باید احساس اهمیت شغلی کنند و این ما در شویند

کشور در این فستیوال است. در واقع جشنواره سراسری تئاتر فجر یک گردهم آیی سراسری از هنرمندان تئاتر شهرستانها تلقی می شود. مسئله دیگری که باید از ویژگی های تئاتر فجر تلقی شود، طرح نمایشها و ایده ها هستی است که در واقع میتواند بسر گرفته از متن انقلاب، اسلام و آرمانهای ملت ما باشد. در این جشنواره همه ساله استعدادها و خلاقیت های ممتاز و فاخری را میتوان سراغ گرفت که چنانچه تداوم پیدا کند و در طول سال پیگیری شود میتواند نقش الگو و نمونه سازی را ایفا کند. س - همانطور که اشاره فرمودید اگر پیگیری شود ما می بینیم که هر سال جشنواره برگزار می شود و یک تعدادی بعنوان نخبه های این جشنواره انتخاب میشوند، احتمالاً "جایزه ای هم میگیرند و دوباره برمی گردند به شهرستان با همان مشکلات خودشان، و رها می شوند. شما فکر می کنید که برای اینکه اینها رها نشوند چه کاری میتوان برای آنها انجام داد که در نهایت به یک نتیجه ای برسیم؟

ج - جشنواره محل حل مشکلات نیست. جشنواره محل عرضه است. طبیعتاً در تمامی جشنواره هایی که در دنیا برگزار می شود همینطور است، منتها نکته مثبتی که در جشنواره سراسری

س - بفرمایید که تفاوت های اساسی جشنواره فجر با دیگر جشنواره های تئاتر که در دنیا برگزار می شود در چیست؟
ج - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - بسم الله الرحمن الرحیم - البته من اطلاع دقیقی از نوع جشنواره ها و کیفیت برگزاری آنها در دنیا ندارم و اخبار مختصری که گاه از سوی هنرمندان تئاتر و دوستان مطبوعاتی در اختیار ما قرار میگیرد، حاکی از این است که آنچه در جشنواره های تئاتر علی القاعده مهم و با اهمیت است خود تئاتر و هنر نمایش و احتمالاً "رشته های وابسته و فعالیت های مرتبط با هنر نمایش است. گاه شنیده می شود که در بعضی از این جشنواره ها بعنوان مثال فستیوال رقص هم مطرح است. اینها تنها اطلاعات کم و بیشی است که من از گوشه و کنار شنیده ام. (و صد البته این کمی اطلاعات برای من نقصی بزرگ است) اما در مورد جشنواره تئاتر فجر می توانیم ویژگیها و خصوصیات را بشماریم که در واقع ناشی از اهداف جشنواره است. جشنواره سراسری تئاتر فجر یک تلاش و یک فعالیت ملی است که به مناسب ایام مبارکه دهه فجر برگزار می شود.

نکته دیگر در واقع حضور جمع کثیری از هنرمندان تئاتر

تئاتر فجر هست با توجه به حضور هنرمندان شهرستان ، باید با جمع بندی و با گفتگوی رو در رو و نشستریای درد دل این هنرمندان برای طول سال و ایامی که جشنواره برپا نیست برنامه ریزی کرد و همچنین مرکز هنرهای نمایشی که بنوعی متولی امور تئاتر کشور است ، باید با استمرار و پیگیری کارها در شهرستان ها ، چراغ آن را روشن نگاه بدارد . برای اینکار با اینکه همه ساله سعی بوده است که دبیرخانه جشنواره بصورت دائمی کار بکند منتها با توجه به مشکلات انجام نشده است . ما امیدواریم که دبیرخانه ای را که برای ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر برپا کرده ایم ، بصورت دائم حفظ کنیم تا بتواند در طول سال انجام وظیفه کند و در عین حال بنوعی تئاتر شهرستان را نظارت و حمایت و احیانا " هدایت کند و ما قصد داریم انشاء الله اگر خدا کمک بکند در طول سال و برای اینکه همان جرقه هایی را که در جشنواره سراسری تئاتر فجر زده می شود به خاموشی نگراید ، کارهای برگزیده و یا حتی کارهایی را که در یک سطح قابل قبول هستند بطور مبادله ای در سطح شهرها و استانها به اجرا در بیاوریم کس خود این چند خاصیت دارد .

اولا " که موجب تشویق هنرمندان شهرستانی خواهد شد ، در ثانی صحنه های تئاتر شهرستان را پر جنب و جوش و فعال میکند که طبیعتا " اینکار بودجه میخواهد ، امکانات میخواهد ، برنامه ریزی میخواهد و ما هم در پی آن هستیم که بتوانیم آنرا به انجام برسانیم . از جمله کارهای دیگری که قصد داریم دنبال بکنیم و در حد حرف و شعار باقی نماند راه اندازی و برپایی کلاسهای کوتاه مدت در مراکز استانها و شهرستانهای فعال جهت ارتقاء دانش تئاتر علاقمندان هنر نمایش است .

س - چرا تئاتر کشور ما بر خلاف دیگر هنرها مثلا " سینما ، و یا حتی تیم های ورزشی که در جشنواره ها و مسابقات خارجی شرکت می کنند تا بحال در جشنواره های جهانی تئاتر شرکت نکرده است ؟

ج - والله نکته اول در این قضیه به نظر من عدم پیگیری از سوی مسئولین بوده است ، به نظر من در این مورد پیگیری همه جانبه ای نشده است ، ضمنا " محدودیتهایی نیز ما داریم و در بعضی از این جشنواره ها به لحاظ اعتقادی و محیط این جشنواره ها نمی توانیم شرکت کنیم . من یادم هست که حدودا " شایسته دو سه سال پیش یک نمایشنامه را که اتفاقا " از تئاتر شهرستان هم بود آماده کردند که بفرستند به جشنواره ای در هندوستان ، با اینکه اکثر کارهای گروه هم انجام شده بود در بین راه

مسئولین متوجه می شوند که این جشنواره یک جشنواره ای است که جشنواره رقص و تئاتر با هم است و لذا از رفتن منصرف می شوند ، مسئله دیگر هم امکانات و بودجه ای است که لازم است . برای اینکار بودجه ای که واقعا " باید بهر حال بیک گروه تئاتر را تامین کند و مخارج آنها را در خارج از کشور برطرف بکند ، شما میدانید که معمولا " در این جشنواره ها هزینه به عهده شرکت کننده است و این یک هزینه گزافی می خواهد که باید تامین بشود و یا مسئله تامین امکانات که خود مشکل بزرگی است . نکته دیگر هم ارائه کاری است که قابلیت طرح بین المللی داشته باشد . ما هنوز در داخل کشور نتوانستهایم مخاطبین و به اصطلاح مردم را به تئاتر عادت بدهیم . و این حکایت از این می کند که هنوز تئاتر در داخل کشور غریبه است و نتوانسته است زبان مشترکی با مردم پیدا کند . آنوقت شما از ما چگونه توقع دارید که در جشنواره های بین المللی شرکت کنیم ؟ با چه زبان و چه الگوئی باید در یک جشنواره جهانی شرکت کرد ؟ مخصوصا " پس از انقلاب اسلامی و شعارها و اهداف و آرمانهای بلندی که ما داریم حضور در یک جشنواره بین المللی باید یک حضور قوی و پر رنگ و نشان دار از اسلام و انقلاب اسلامی باشد . و طبیعتا " این یک کار مشکلی است و تا اینکار هم نشود بعید است که ما بتوانیم مسئولان ذیربط و ذیصلاح خود را قانع کنیم که بتوانیم در این جشنواره ها شرکت کنیم . به نظر من آنها حرفشان به نوعی دیگر این است که عدم حضور ، بهتر از حضور ضعیف است . لذا باید برای حضور در جشنواره های بین المللی یک مقداری بیشتر کار بشود .

س - ما در زمینه فیلم هم هنوز به آن الگوهایی که مورد نظرمان هست نرسیده ایم ، اما در این جشنواره ها شرکت می کنیم ؟
ج - در پاسخ سؤال قبلی شما پنج نکته را ذکر کردم که اینها را باید با هم در نظر گرفت . شما از فیلم یک کپی می کشید و آنرا به جشنواره می فرستید ، ولی تئاتر اینطور نیست ، تئاتر از روز اول و تا به لحظه آخر با آفرینندگانش مرتبط است . از طرف دیگر مخارج و امکاناتی که این کار لازم دارد از نکات قابل توجه است . ممکن است واقعا " در مقطع فعلی یک کاری را هم فعلا " بتوانیم به تشخیص نظر کارشناسان برای حضور در یک جشنواره بین المللی آماده کنیم ، من منکر این نیستم ، اما مجموعه عوامل که عرض شد باید با هم ملحوظ شود . البته عدم حضور ، یک مقدار هم به این مربوط می شود که ما اطلاع نداریم ، عدم آشنایی است . ما نمی دانیم که کجا جشنواره ، در چه تاریخی ؟ کجا ؟

چگونه؟ و با چه اهدافی برگزار می‌شود. و ارتباط بین‌المللی ما تقریباً "با تئاتر خارج از کشور به نوعی قطع بوده است. کمیسیون ملی تئاتر هم که وابسته به یونسکو هست مدت‌هاست تشکیل شده و فعالیت‌هایی را هم کم و بیش دارد اما اینها کافی نیست. ما باید حداقل بتوانیم یک اطلاعات واقعا "جامعی از این جشنواره‌ها داشته باشیم، بعد هم انتخاب کنیم و حد و حدود این جشنواره‌ها را هم بشناسیم و بعد که اینها را بدست آوریم امکانات و بودجه و این مسائل را فراهم بکنیم در نتیجه آن وقت حالا می‌رسیم به اینکه چه کاری را بفرستیم، اینکه ما باید شرکت بکنیم و باید برویم انکار کردنی نیست. همینطور باید تمام آنها مجموعه را نگاه بکنیم و بعد وقتی آن شرایط را فراهم کردیم انشاءالله، حضور قوی پیدا بکنیم که وقتی گفتند این تئاتر از جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده است حداقل طوری باشد که ذهنیتها را که بر اساس تبلیغات سوء بوجود آمده فرو بریزد. اگر بنا باشد ما برویم و آن ذهنیتها را تثبیت بکنیم. خوب این نرفتنش بهتر است.

س - امسال برخلاف سال گذشته جشنواره منطقه‌ای را نداشتیم. علت اینکه امسال این جشنواره منتفی شد چه بود؟

ج - می‌دانید که مدت کمی است در مرکز هنرهای نمایشی مشغول به کار شده‌ام. دربدو ورودم با چند کار مواجه شدم که هر کدامش واقعا "به فکر و برنامه‌ریزی احتیاج داشت. از جمله یادواره تئاتر سنگر بود که خوب، در همان ابتدای ورود بخش عمده‌ای از نیروهایمان را برای انجام این کار مهم بسیج کردیم و بعد فعالیت‌های جنبی مختلفی که ما داشتیم. نمایشگاه بین‌المللی کتاب بود که کارگاههای دکورمادر اختیارش بود. کنگره مدرس بود و عرض کنم نمایشگاه مدرس بود. کنگره امنیت و قداست حرم بود. چند نمونه کار اینجوری بود که به ما رجوع شده بود که بسیاری از توان ما در رابطه با این چیزها گرفته شد. و از طرف دیگر هم ما در حال برنامه‌ریزی و فکر و طرح به اصطلاح تازه‌ای بودیم برای تئاتر، مجموعه این حوادث و زمانی که گذشته بود و زمانی که ما از دست داده بودیم باعث شد که ما نتوانستیم جشنواره منطقه‌ای را شایسته برگزار کنیم.

امیدواریم که در سالهای آتی بتوانیم جشنواره منطقه‌ای را پرثمرتر و با یک انضباط و نظم خوب برگزار کنیم. این جزو آرزوها و برنامه‌های ما است.

س - بین هنرمندان معروف است که می‌گویند تئاتر مرده است یا حداقل اگر اینطور نباشد روبه موت است برای این مریض شما چه فکری کرده‌اید؟

ج - شما وقتی که صحبت از مریض می‌کنید باید درد را بشناسید ما در پزشکی هم یک چیزی داریم به نام سبب‌شناسی که اول علت را می‌شناسند و یا درد را می‌شناسند. و یک طبیب، یک پزشک هم اول به سراغ درمان نمی‌رود اول تشخیص می‌دهد. در مرحله اول کار ما تشخیص است. یعنی ما در پی این هستیم که با کمک همه کسانی که علاقمند به هنر نمایش و تئاتر هستند در شهرستانها، در تهران دردها را تشخیص بدهیم. بعضی از این دردها شناخته شده است. بعضی‌ها واقعا "ناشناخته است! و طبیعتاً این یکی از کارهایی است که ما داریم دنبالش می‌رویم که برای درمان مریض چاره‌های اساسی را بپنداریم آنچه که به ذهن ما رسیده و داریم دنبال می‌کنیم فهرست وار اینهاست.

یکی از مسائل تئاتر، مسئله بودجه تئاتر کشور است که به نظر من این بودجه واقعا "کفاف امور تئاتر را به عنوان یک هنر فعال و زنده و پویا نمی‌دهد ما دنبال این هستیم که انشاءالله بتوانیم از طریق وزارت برنامه بودجه و مجلس شورای اسلامی اعتباری برای تحول و گسترش تئاتر کشور بگیریم. یکی دیگر از مسائلی که باز در مورد تئاتر و یا این مریض گفته می‌شود مسئله کمبود متونی است که با فرهنگ جامعه اسلامی منطبق یا شایسته این منظور هم آمدیم و دفتری درست کردیم به نام دفتر تهیه و تدوین و تولید متون نمایشی که کارشناسان مسلمان تئاتر بنشینند اولاً "برای بچه‌های شهرستانی کتاب تهیه کنند و بفرستند و ثانياً متون آنها را به نوعی تنقیح و پراستاری بکنند و متون آنها را آماده کنند و کارشناسی روی آنها انجام بدهند. و ثالثاً "خودشان تولید متن بکنند متنی که بتواند جوابگوی جامعه اسلامی ما باشد و یا به نوعی نیازهای منطقی و مشروع مردم در آن طرح شده باشد. از کارهای دیگری که باز باید به آن اشاره کنم مسئله آموزشهای کوتاه مدت است که قطعاً "ما پیگیری خواهیم کرد. مسئله مبادله تئاتر شهرستانهاست، مسئله تشکیل انجمنهای نمایشی است که مراحل پایانی خودش را طی می‌کند که امیدواریم در سال آتی ما موفق شویم که این انجمنها را در شهرستانها و مراکز که آمادگی دارند راه اندازی کنیم. و طی برنامه‌هایی آنها را فعال کنیم و با راه‌اندازی انتشارات نمایش کتابهای پایه و نمایشنامه‌هایی که لازم است به چاپ برسانیم و در همین مدت کم هم مجله نمایش و ۱۵ روز تئاتر را برای حیات تئاتری کشور

و بازتاب انعکاسی فعالیت‌های تاتری در سطح کشور بخصوص در شهرستانها منتشر کرده‌ایم که اینها خود می‌تواند عامل باشد برای نشان دادن واقعیاتی که در حوزه تاتر کشور می‌گذرد.

س- اشاره کردید به شناخت این دردها یکی از این دردها هم جذب هنرمندان تاتر به سینماست که جدیداً " حتی به شهرستانها هم سرایت کرده و مامی‌بینیم که حتی هنرمندان شهرستانی هم جذب سینما شده‌اند. شما فکرمی‌کنید که برای بازگشت آنها به تاتر چه راه حلی وجود دارد؟

ج- مسئله معیشت و گذران زندگی مسئله‌ای است که نمی‌توان بدون توجه به آن پاسخ سؤال شما را یافت.

خوب سینما هم از جاذبه بیشتری برخوردار است و هم جنبه‌های مادی بیشتری را می‌تواند برای هنرمندان تامین بکند طبیعتاً " این حالت وجود دارد و به وجود آمده و به نظر من ممکن است این مهم با تزریق امکانات هم بزودی حل نشود. اما آنچه که در رابطه با تاتر مهم است شاید یک حداقل احترام و یا توجه به هنرمندان تاتر می‌تواند مانع از این بشود که خیل بیشتری بسمت سینما بروند البته رفتن که حق طبیعی هر فرد است که خودش انتخاب بکند که تاتر کار کند در سینما کار کند و یا اصلاً " کار نکند. این حق طبیعی یک فرد است که برای خودش و زندگی آینده‌اش تصمیم بگیرد. آنچه که ما می‌توانیم راجع به آن صحبت کنیم و برنامه‌ریزی کنیم اینست که بتوانیم یک کاری بکنیم که در واقع هنرمندان فعلی تاتر با احساس شخصیت و با احساس امنیت شغلی و تا حدودی تامین مادی به صورت گسترده به آن سمت جذب نشوند و طبیعتاً " خوب اینکار را ما شروع کرده‌ایم و می‌کنیم.

س- در ایران برخلاف کشورهای دیگر نه تنها دولت از تاتر حمایت نمی‌کند که حتی شهرداری مالیاتی را که از بلیطهای تاتر می‌گیرد بیشتر از سینماست. چرا ما نباید امکاناتی برای تاتر به وجود بیاوریم که تاتر ما بتواند رشد کند؟

ج- البته شما این سوال را باید از شهرداری می‌کردید نه از من! بنده هم همین سوال را دارم و بعنوان به اصطلاح کسی که باید مدافع منافع هنرمندان تاتر باشد این سوال را من هم دارم و فکر می‌کنم که در این مورد اگر پیگیری لازم بشود نظر مساعدی وجود دارد که اگر به نوعی مالیات می‌گیرند به نوعی دیگر حمایت بکنند. و طبیعتاً " این محتاج پیگیری است و ما هم در همین فرصت کوتاهی که داشتیم پیگیری‌هایی را کرده‌ایم و مکاتباتی را بعمل آورده‌ایم و در برنامه‌ها هم هست که با شهردار تهران ملاقاتی داشته باشیم که بتوانیم این مشکل را

به نوعی رفع کنیم. اما به نظر من در شهرستانها این مشکل عمده‌ای نیست و یا حداقل من شنیده‌ام که مالیات بلیطهای تاتر در شهرستان مشکل حازمی داشته باشد. چون این بستگی به هر شهر دارد و انجمن شهر و شهردار و شهر به طبع آن مجاری قانونی که وجود دارد در این مورد تصمیم‌گیری می‌کنند. و در شهری ممکن است این تصمیم متفاوت باشد. لذا در مورد تهران حرف شما صادق است که باید پیگیری کنیم و این مشکل را هم حل کنیم.

س- شما برای هنرمندان شهرستانی عزیزی که در این جشنواره شرکت کرده‌اند چه پیامی دارید؟

ج- پیام که نفرمائید ما خود محتاج این هستیم که از راهنمائیها و ارشادات همه دوستانی که به نوعی در زمینه تاتر کار کرده‌اند و یا زحمت کشیده‌اند بهره‌مند شویم و در برنامه‌ریزی خوداز نظرات آنها استفاده کنیم. تنها نکته‌ای که بعنوان چند خواهش و تقاضا مطرح است اینست که اولاً " در طول جشنواره بعضی نارسائیها و کمبودها را واقعاً " با گشاده‌رویی و سعه صدر بپذیرند و خدای نکرده باعث نشوند که کل این حرکت و زحماتی که در این راه کشیده‌شده فراموش بشود و یا نادیده گرفته شود.

بهرحال جشنواره‌ای به این عظمت با این وسعت و با خیل کارهای ریز و درشتی که در کنار این جشنواره انجام شده و از طرفی دیگر کمبود امکانات، کمبود بودجه، اینها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد که خدای نکرده دوستان ما را رنجیده خاطر نکند.

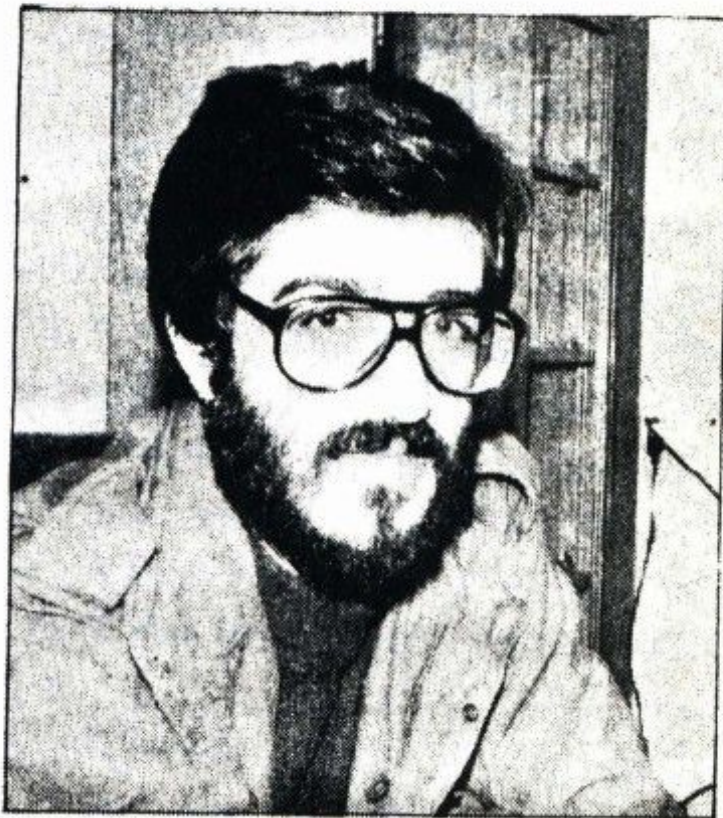
مسئله دیگر هم مسئله مسابقه است که درست است که ما به رقابت سالم و صحیح اعتقاد داریم اما همه مسئله جشنواره مسابقه و جایزه نیست. واقعاً " این باید بصورت یک اعتقاد باطنی و درونی برای هنرمندان عزیز ما دربیاید و لذا انتقادات و یا نظراتی را که در این راه باید داده‌شود و ارائه شود و بر اساس آن فرض بفرمایید که گروهی و یا فردی مطرح شود و برنده شود نباید این مسئله باعث دلخوری دیگران گردد.

البته رعایت عدالت و قضاوت درست همیشه باید مطمح نظر بوده و باید مورد توجه باشد اما بهر حال ما انسانیم و هر فردی و هر گروهی ممکن است نظر خاصی داشته باشد که جدای از اصول این نظرات ممکن است متفاوت باشد و ما نباید روی این تفاوتها اینقدر حساس باشیم که خدای نکرده با دلی آزرده جشنواره را ترک کنیم. مسائل جزئی و پیش پا افتاده نباید در قبال اصل برگزاری جشنواره و حیات تاتر کشور و گردهم‌آیی

هنرمندان تاتر و از همه مهمتر جشن پیروزی انقلاب تحت الشعاع جایزه قرار گیرد.

در شهرستانها اختلافات را بخاطر خدا کنار بگذارند و بهیچ دستانه، برادرانه اگر مشکلاتی دارند با همدیگر حل کنند. چون این اختلافها، این بگومگوها و این درگیریها به اصل

* ما امیدواریم که در سالهای آتی بتوانیم جشنواره منطقه‌ای را پرثمرتر و بسایک انضباط و نظم خوب برگزار کنیم. این جزو آرزوها و برنامه‌های ما است.



* ما به رقابت سالم و صحیح اعتقاد داریم اما همه مسئله جشنواره مسابقه و جایزه نیست
* عدم حضور در جشنواره‌های بین‌المللی بهتر از حضور ضعیف است.

تاتر و اهداف متعالی و اسلامی که ما داریم ضربه میزند و ما خواهش داریم که به خاطر خدا دست از این اختلافات بردارند البته من نمی‌گویم که حالا اختلاف هست یا فرض بکنید که این اختلافات آنچنان در اوج و در آن حدی است که مخل کار است نه ولی مقدار کمش هم برای تاتر و هنرمندان تاترشایسته

نیست. کسانی که میخواهند از طریق سکوی تاتر پیام انسانی و اسلامی خود را ابلاغ بکنند درست نیست که خودشان را درگیر مسائل جزئی کنند که این با اصل کارشان در تضاد است. اینهم یک خواهش عاجزانه‌ای است که ما داریم از هنرمندان تاتر در شهرستانها و در مرز که بخاطر خدا این اختلاف را کنار بگذارند و همسو و هم جهت در راه اهداف فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی و این انقلاب گام بردارند.

نکته دیگر اینکه عنایت به مسئله اساسی کشور داشته باشند و آنهم مسئله جنگ است ما دچار یک جنگ ناخواسته و تحمیلی شده‌ایم و طبیعی است که باید از طریق تاتر و هنر نمایشی دین خودمان را ادا کنیم. ما فراموش نکنیم پدر و مادری را که چهار شهید به انقلاب داده‌اند و باز چهار فرزندشان را راهی جبهه‌ها کرده‌اند و به اینهم رضا نشده و ۱۵۰ هزار تومان موجودی خودشان را هم به جنگ و جبهه تقدیم کرده‌اند. ببینم واقعا چگونه می‌توان برای این ایثارها و فداکاریها که نمونه‌های آن زیاد است، برای این شهامتها و جسارت‌هایی که رزمندگان در میدان نبرد دارند و برای مفاهیمی چون عدالت و شهادت و اسلام‌خواهی و دهها سوزده دیگری که میتواند دستمایه کار هنرمندان تاتر باشد فکر بکنند و برنامه‌های نمایشی و متون نمایشی تهیه کنند.

طبیعی است اجرای تاتر و نمایشنامه در جبهه‌ها هم یکی از کارهای دیگری است که هنرمندان متعهد ما میتوانند انجام دهند و این مرکز، آمادگی دارد که گروه‌هایی که داوطلب هستند بیایند و هماهنگ بکنند تا مقامات ذیربط در فرهنگ و ارشاد اسلامی آنها را به جبهه‌ها اعزام کنند. بهرحال رزمندگان ما هم در جبهه‌ها نیاز دارند که ساعاتی از اوقات خودشان را با فعالیت‌های فرهنگی، هنری پر بکنند و طبیعتاً گروه‌های نمایشی نقش بزرگی را در این راه میتواند به عهده بگیرند و ما آماده هستیم که در این زمینه هم با این گروهها همه‌گونه همکاری کنیم. اینهم مطلب دیگری که در پایان باید می‌گفتیم.

خبرنگار: تشکر می‌کنم از اینکه وقت خودتان را به ما دادید و با صبر و حوصله به سوالات ما پاسخ دادید.

ج - منم از شما ممنون هستم و امیدوارم که موفق باشید.

والسلام.

گفتگو از: قادری

فقدار سراسری نمایش نار اعسنه

جواد خدادادی



جواد خدادادی هنرمند و کارشناس اداره برنامه‌های نمایش در جلسه نقد و بررسی نمایش نار آغاز کار گروه گرگان بعنوان کارشناس حضور داشتند و بعد از سؤال و جواب‌های حاضرین سخنانی در رابطه با نمایش فوق و تئاتر اظهار داشتند که ما خلاصه‌ای از نظریات ایشان را دوباره نویسی و به چاپ رسانده‌ایم.

سرود کمی تماشای مانعیت رنالی و سمبل

بنام خدا

و با سلام به شما دوستان و همکاران، حضورتان را در ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر خوش آمد می‌گوئیم.

هدف ما از این گردهمایی آشنا شدن با فرهنگ قوم‌ی یکدیگر و رسیدن به هنری متعالی که تئاتر جزئی از آنست می‌باشیم. اگرچه با عدم امکانات اقتصادی در شهرستانها مواجه هستیم، لیکن فداکاری شما عزیزان شهرستانی را در این راه قدر مینهیم. البته اینجانب بارها به شهرستانها رفته و از نزدیک شاهد زحمات بیدریغ آن عزیزان در مراکز فرهنگی و هنری بوده‌ام که با چه فداکاریها و زحمات بی‌وقفه حاصل اندیشه و عمرشان را برای بهبود تئاتری بهتر بکار انداخته‌اند اگرچه سئوالاتی در این مجلس شد لیکن احساس نمودم بعضی از آنها ناقص و با عدم شناخت کافی مواجه بوده است. بعنوان مثال یکی از برادران نمایش دیشب را در زمزه

کارهای سنتی قلمداد کرده است و خاطر نشان نموده که آنرا در رده نمایشات سنتی قرار دهیم. در حالیکه اینجانب چنین امری را وارد نمیدانم و توصیه می‌کنم که ایشان در مورد نمایشات سنتی مطالعه بیشتری مبذول بدارند به این دلیل که نمایشنامه فوق مانند سایر نمایشات از فرهنگ خاص خود برخوردار و به نواحی ترکمن مربوط میشود.

این نمایشنامه سمبل اسب را در غالب رئالیست مطرح کرده بود و برخورد ایندو "ایسم" بناچار عیوبی در سرا راه تئاتر می‌گذاشت بدین معنی که هر جا اسب بصورت سمبل خود را نشان میداد زندگی رئال مفهوم خود را از دست میداد و آنجا که مفهوم رئال بدست می‌آمد سمبل فراموش میشد در واقع برخورد ایندو تماشاچی را گمگشته میساخت.

برادر دیگری از نظر بازیگری گفتند که بازیها ضعیف بودند ولی بنظر من با توجه به ویژگی فرهنگ ترکمن که برای بعضیها ناشناخته است بازی خوب بازیگران را نمیشود نادیده گرفت از

نگاهی بازگشت لکوموتوران

نوشته: عبدالحی شماسی
کارگردان: محمودستوده

از فرهنگ و ارشاد اسلامی سیرجان
وقتی پابه سالن گذاشتی صمیمیت و صفا و عشق
به تئاتر هوای معطر سالن کوچک را آکنده بود،
و هنگامی که بیرون می‌آئی، یک آه، یک دریغ!
از سیرجان آمده‌اند و بی‌ادعا، کارگردانش
می‌گوید: "محمودستوده هشتم حدود ۱۵ سال است
که کار می‌کنم فقط علاقه دارم و هیچ آموزش ندیده
ام". وقتی که می‌پرسی برای چه به جشنواره
آمده‌ای؟ درمی‌آید که: "فقط به دلیل احساس
وظیفه که یک کار داشته باشم، همین. من فقط
خواستم دینی ادا کرده باشم". مانده‌ام که
چه بگویم این همه صفا و صمیمیت و... می‌پرسم
چرا اینکار را انتخاب کردی؟ می‌گوید: "کمبود
متن بود آقا، مجبور شدم که دست به این کار
بزنم! از روی نویسنده هم شرمنده‌ام که
نتوانسته‌ام کار را درست در بیاورم. واللہ
هر چه در توان بود مایه گذاشتم".

اصلاً از سبکی در تئاتر به نام اکسپرسیونیسم
خبری ندارد. و شیوه اجرائی این سبک را -
نمی‌شناسم می‌گوید: "کار را سمبولیک دیده‌ام
تمام فضا سمبول است. یک نوع زندگی -
یک بی‌خبری، در بند شدن و گم شدن، چگونه
بودن. اینکه یک چیزی را گرفته که خدمت کند
و از هیچ چیز دیگر خبر ندارد".

همه دریافت نویسنده از متن همین است. بایک
دکور ساده و بی‌پیرایه و یک بغل صفا و عشق.
مثل همه بچه‌های شهرستان از کمبود و نارسایی
در شهرستان می‌نالند. و می‌گوید: "وقت هم‌پرای
کار کم بود".

"لکوموتوران" با این حدیث که آمد به صحنه
پانواده است چه میتوان گفت؟
جز آرزوی موفقیت برای آنها و هشدار بی‌
مسئولین که دریا بیداین غریق را، دیگر
برایش نفسی نمانده است. ن-قادر

طرف دیگر واقعا "در شهرستانهای ما مگر دانشگاه تئاتر وجود
دارد که ما انتظار دیدن یک کار حرفه‌ای را داشته باشیم؟
خاطر نشان می‌کنم که اگر یک بعدنگری را کنار بگذاریم
می‌بینیم که این دوستان با توجه به عدم امکانات کافی دور هم
جمع می‌شوند و این مهم را به انجام می‌رسانند و اینجاست که
می‌بینیم اول بازیها با احساساتی کاملاً "صمیمی انجام می‌پذیرد
که خود همین مسئله سرچشمه خیلی از رسیدنها به هنری متعالی
است ثانیاً در سالن بزرگی مثل "سالن تئاتر اصلی" که بازیگران
حتی یک تمرین هم در آنجا نداشتند جای بسی تقدیر است و
اما در مورد لباسشان که اینجانب از کارگردان آن کار تحقیق
نمودم دریافتیم که ((هر دست از این لباسها شاید تا بیست
هزار تومان ارزش داشته باشد چراکه از ابریشم خالص بوده و
بافت سنتی مخصوص به آن منطقه را دارد)). و جالبتر اینکه
بچه‌ها این لباسها را نه از ارشاد اسلامی آنجا بلکه از دوستانشان
به عاریت گرفته بودند که خب اینهم جای بسی مباهات است.
برادر دیگری پرسیده بود: اینکه می‌گویند اسب زندگی ترکمن
است و ترکمن خود اسب است چه مفهومی دارد؟
در جواب بنظر من اسب همان معنی سمبولیکی را دارد که در بالا
صخبتش رانده شد. خب اسب با زندگی یک ترکمن با احساسات
وی عجیب شده است. بدین معنی که شیبه اسب فریاد ترکمن،
فرار اسب آزادی ترکمن و عرق خسته تن اسب اشک یک ترکمن
است و نهایتاً "مرگ آن اسب مرگ یک ترکمن می‌باشد. چنانچه
اگر به سنتهای قوم ترکمن توجه کنیم اسب معنای زندگی و سمبل
همه آرزوهای اوست و ما این سمبل را با توجه به رقص و آواز
این قوم که شکل آئینی دارد اگر باهم در آمیזیم حماسه
می‌آفرینیم. این همان سمبلی است که در آمریکا، سرخپوست با
بوفالو و در اسپانیا بنوعی ماتادور با گاوش دارد. از طرف دیگر
ما هیچگاه نباید انتظار داشته باشیم هر تئاتری که از شهرستانها
برای ما بنمایش درمی‌آید کامل باشد با توجه به اینکه می‌دانیم
حضورمان در این مکان تبادل اندیشه‌ها و افکارمان است. با
این امید که از هم انتقاد سازنده بکنیم تا به یاری خداوند در
آینده تئاتری اصیل داشته باشیم چراکه الان در کلیه مراکز
تئاتری شهرستانها شاهد زحمات به‌دریغ علاقمندان آن می‌باشیم
و اینجانب با توجه به تمام مشکلات مالی و اداری و فرهنگی از
تئاتر گرگان قدردانی کرده و برای دست‌اندرکاران آن و تمام
میهنمان این جشنواره بزرگ آرزوی توفیق و کامیابی را خواهانم.
چراکه هدف ما از هنر رسیدن انسان به تعالی است.
به امید آرزو و السلام.

نمایشنامه «هاتف»

از بخش مسابقه و گفتگو با رضا قهرمانی کارگردان



کارگردان، امسال با نمایش "هاتف" در جشنواره سراسری تئاتر فجر شرکت کرده‌اند. بگفته "نوبخت" نویسنده نمایشنامه "هاتف" سرگذشت واقعی از خانواده شهدا و از بطن جامعه است.

"اوس تقی" خیاط محله در انتظار بازگشت پسرش "صادق" است که در جبهه بسر میبرد. "اوس تقی" که زنش بهنگام تولد "صادق" مرده به همه اهالی محل گفته که می‌خواهد "صادق" را داماد کند و بهترین لباس تمام دوران کارش را برای او دوخته است. در همین حال "هاشم" یکی از دوستان "اوس تقی" بعد از شانزده سال از راه می‌رسد. همسر "هاشم" دو سال "صادق" را شیر داده است و فعلاً "هم" "هاشم" در جبهه سقایی می‌کند. جوان دیگری نیز به بهانه دوخت لباس به مغازه "اوس تقی" می‌آید، اما در اصل "هاشم" و این جوان آمده‌اند تا خبر شهادت "صادق" را به "اوس تقی" بدهند...

نمایش "هاتف" هرچند که به جنگ می‌پردازد اما داستان و ماجراهای آن در پشت جبهه است. آدمهای قصه با اصلاً "معرفی" نشده‌اند و یا خیلی نارسا معرفی می‌شوند. "صادق" پسر "اوس

تقی" کیست، "حسین علی" در این میان چه نقشی دارد و چرا این چنین سرگشته است، "هاشم" چه کسی است و در این ۱۵ سال کجا بوده است؟ و بالاخره رابطه "اوس تقی" با این آدمها و زندگی‌شان در ابهام قرار دارد. این متن ۴۵ دقیقه‌ای در یک پرده اجرا می‌شود بدون آنکه پاسخی به این سئوالات بدهد. سر و صدای بچه‌ها و گریه آنها، هجوم مردم برای دیدن نمایش در سالنی که ۱۰۰ نفر را به سختی پذیراست و فریاد اعتراض پشت درمسانده‌ها صحنه دیگر تمام نمایش‌های بخش مسابقه است. "رضا قهرمانی" کارگردان نمایش می‌گوید:

"مهمترین ایراد جای کم برای تماشاچی زیاد است. همه هم از چشم کارگردان می‌بینند. من تقاضای سانس سوم کرده بودم، اما شنیدم که به مردم گفته‌اند کارگردان با سانس سوم موافقت نکرده است!"

"قهرمانی" که فعالیت خود را از سال ۵۸ در بسیج قم آغاز کرده، در سال ۶۳ در بخش میهمان حضور داشت و در سال ۶۵ در جشنواره تئاتر کارگردان در اصفهان حاضر بود. او می‌گوید: "فکر می‌کنم برای اولین بار باشد که یک گروه تئاتر کارگری در جشنواره سراسری تئاتر فجر شرکت دارد." بگفته "قهرمانی" تمام کسانی که این نمایش را به روی صحنه آوردند کارگر هستند و بیشتر آنها هم در کارخانه ایران ترمه قم کار می‌کنند. اما این گروه از خانه کارگر تهران شرکت کرده است، زیرا خانه کارگر سابق گروه را میدانست و به همین دلیل از آنها دعوت کرد تا از خانه کارگر تهران در جشنواره شرکت کنند.

"قهرمانی" درباره "تئاتر شهرستان‌هایی که در جشنواره شرکت کرده‌اند اظهار می‌دارد: "من چند کار هنرمندان شهرستانی را دیدم. بالاخره می‌بینیم که شهرستانی‌ها دارند فعالیت می‌کنند اما در مورد کیفیت نمایش‌ها مردم باید نظر بدهند. وی در مورد تئاتر قم می‌گوید: "تئاتر قم هم مشکلات زیادی دارد، هیچ نوع فعالیت تئاتری به چشم نمی‌خورد کلاس تئاتر نیست. حتی یک سالن نداریم. گروه وابسته به ارشاد هم فقط برای جشنواره شرکت کرده است والا اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قم هم سالن ندارد. یک سالن امور تربیتی دارد که در آن فیلم نشان می‌دهند و اگر باز هم سالنی باشد متعلق به ارگانهای دیگر است. در قم نمی‌شود اجرا گذاشت مگر با حمایت ارگانها و به همین دلیل اجراهای ما خارج از قم است. سال گذشته به کردستان رفتیم و قرار است امسال به جبهه برویم.

"رضا قهرمانی" در پایان می‌گوید: حرفی ندارم جز اینکه یک خسته نباشید به همه دست اندرکاران بگویم.

محمد بهرامی

دیگران را تکرار نمایند .
بهمن محققى در بخش دیگری از حرفهای خود
گفت : اکثر کسانی که امروز ادعای کارگردانی
دارند (اعم از آنهایی که کار اولشان را
ارائه می کنند یا آنهایی که سابقه دار
هستند) ابتدایی ترین اصول کارگردانی را
نمی دانند . در حالیکه تاریخ تاترنشان
میدهد کارگردانان گذشته به تمام رموز
صحنه و کارهای مربوط به صحنه آشنا پی
داشتند و به خوبی میتوانستند تاثیر نور ،
افکت ، دکور و ... را در القاء مفهوم مورد
نظر دریا بند و از آن به بهترین شکل ممکن
استفاده کنند .

افزون بر اینهمه ، بازیگر نیز باید با
امکانات بدنی و تواناییهای خود آشنایی
داشته باشد و نقشی را که به عهده میگیرد
دقیقا " بشناسد . متاسفانه اکثر کسانی که
امروز وارد تاتر میشوند پستوانه کارشان
فقط علاقه است . در حالیکه بنظر من علاقه
تنها برای فعالیت های هنری کافی نیست
و به همین علت هم ظرف سالهای گذشته
تجربه کرده ایم که این گونه افراد به
جایی نرسیده اند و چون با یک دید به همه
چیز نگاه میکنند نتوانسته اند موفقیت هایی
را که حداقل خود آرزو مند رسیدن به آنها
هستند ، دریا بند .

محققى در رابطه با نمایش هایی که برای
اجرا در ششمین جشنواره تاتر فجر جواز اجرا
گرفته گفت : یکی از اساسی ترین اشکالات
بسیاری از این نمایشنامه ها آن است که
از لحاظ ادبی کنترل نشده اند و جا دارد که
در جشنواره های بعدی این نکته نیز به
موازات سایر معیارهایی که برای انتخاب
یک نمایشنامه مورد نگرش قرار گیرد ،
رعایت شود و به عبارت بهتر نویسندگان
هم از لحاظ صلاحیت ادبی معیار سنجی
شوند .

محمد رضا حسن بیگی



در جریان برگزاری مراسم ششمین جشنواره
تاتر دیداری با " بهمن محققى " داشتیم .
وی که بعنوان مدیر صحنه با نمایش کدوتنبل
همکاری داشت ، در رابطه با ویژگی های
لازم برای دست اندرکاران تاتر نکاتی را
مطرح ساخت که حیفاً آن آمد شما خواننده آن
نباشید .

بهمن محققى می گفت : من نمیخواهم هنر را
تعریف کنم . اما تا جایی که بزرگان هنر
به ارائه نظر در این باره پرداخته اند
می توان گفت که هنر یعنی بیان حرفی تازه در
قالب یک شکل هنری خاص و نو . بنا بر این
هر کسی این حق را دارد که حرفی داشته باشد
و حرفش را بزند . ولی بین حرفی که یک آدم
عادی میزند و حرفهای هنرمندان یک فرق کلی
وجود دارد و آن اینکه هنرمند باید صرف نظر از
خودشناسی ، محیط خویش و تفکرات بشری را
نیز بشناسد . اما متاسفانه در شرایط حاضر
جوانان زیادی هستند که فکر میکنند حرفی
برای گفتن دارند در حالیکه وقتی به
حاصل کارشان نگاه میکنیم مشخص میشود که
اصولا " حرفشان حرف نیست و تازه ، به فرض هم
که باشد ، معلوم نیست این حرف را از کجا
آورده اند و بیشتر بنظر میرسد که سعی دارند
از دیگران تقلید کنند و حرفهای گفته شده "

گفت و گفته

حسین جعفری



با آغازی خوش شروع شد

" بنام خدا "

در مقابل اولین سوالی که از او شد،

گفت: نه، اینطور نیست...

دومی: نمایش شما فرم بود و...

کارگردان وسط صحبت‌های دوستان پرید و...

گفت: نه، اینطور نیست، من با هرگونه فرم

و شکلی مخالفم...

سومی گفت: نمایش شما شکلی از...

کارگردان: آقا جان مگر چند مرتبه باید گفت،

من با هرگونه فرم و شکل گرایی مخالفم

من با رئالیسم مخالفم،

بیایید گردنم را بزنید،

من "من" هستم

کار رئالیستی نکرده‌ام و نخواهم کرد.

آقای مجری را دیدم که مات به کلمات گهربار

آقای کارگردان که مثل باران بهاری در حال

باریدن بود خیره مانده...

بله، آقای مجری که آنهمه توی حرف این و آن

میرفت مبهوت مانده بود، در همین اثنا جلسه

خاتمه یافت. من که حسابی تونخ مجری جلسه

بودم، جلورفتم و عرض ادب کردم، او متوجه

نشد.

دوباره عرض ادب کردم

باز هم جوابی نشنیدم.

ناگزیر، به قصد عرض ادب به شانهاش زدم،

که ناگهان با موهای سیخ شده و چشمان گرد شده

آقای مجری مواجه شدم، که یک دفعه بر میزد

نقد و بررسی جستی زد و هوا رکشید:

من رئالیستی اجرا نمی‌کنم،

فضا را می‌شکنم،

من هدفم این نبود،

من اصلاً "این" نیستم،

تازه آنهم نیستم،

خودم هم نیستم،

دیدم الان است که باعث آبروریزی شود،

بنابراین او را دعوت به آرامش کردم...

دقایقی گذشت،

تا اینکه آقای مجری به حالت طبیعی برگشت

تصمیم به توجیه اعمال خود گرفت و پرسید:

چطور بود،

با تردید گفتم: خوب بود، اما...

او را دیدم که بناگهان رنگ از رخسارش پرید

و دست و پایش شروع به لرزیدن کرد، دهانش

کف گرفته بود،

یکدفعه شرکت‌کننده‌ای را دیدم که جمعیت را

عقب زد و جلو آمد،

ابتدا خطی بدو را آقای مجری که هر از گاهی دست و پا

میزد کشید،

بعداً "فهمیدم این شخص محترم، تماشاچی

نمایش دیگری با نام "آب، باد، خاک" بوده

که تحت تاثیر آن نمایش اینگونه تجویز نموده،

همین آقا میگفت: زار بدمه درونش حلول کرده،

باید او را زد

در این فکر بودم که "ببین" چه به روز بچه،

مردم آمد...!!

که همان آقا دادا مه داد: باید زار زار از تن او -

بیرون کرد.

گفتم: چگونه؟!...

گفت: با این ترکه...!

گفتم: بسم...!!

خواستم حرفی بزنم، دیدم بیفایده است و

خاموش ماندم

پیش خودم گفتم: خوب بود... اما...

تا منم به روز آقای مجری نیفتادم،

جیم شم...



مطبوعی و جشنواره گذرد؟

برگزاری ششمین جشنواره فیلم و تئاتر فجر

پایه صاف طویل تماشاچیان که اکثرا با از راه دور آمده بودند و با از گروههای نمایشی شرکت کننده در جشنواره بودند ساعتها در مقابل درب ورودی ماندند و علیرغم اینکه حق هر دو گروه بود که به داخل سالن بروند ولی به دلیل ازدحام جمعیت پشت درب بسته ماندند و عدای نیز معترف بودند که از درب دیگری افرادی را که آشنا بودند به داخل سالن نمایش برده و از درب اصلی فقط تعداد کمی داخل شدند البته امیدواریم که چنین وضعی وجود نداشته و نخواهد داشت. زیرا تمام کسانی که به نحوی در این زمینه فعالیت می کنند سعی بر آن دارند که هر چند کم اما بخاطر حرمت هنرمندان شهرستانی و ارج نهادن به زحمات آنان شرایطی را به وجود آورند تا این هنرمندان فضای جشنواره را احساسی دوستانه و هنری احساس کنند و با دستی پر به شهر خود برگردند.

میزبانی برای ربابه کار میباید سابقه. علی اصغر شادروان. مصوفه چهرانی و دبستانگاه کار دبستانگاه در سینما آزادی به آنگاه شوم. اسفل ششمین جشنواره با عنوان ملی ایران فیلم ساخته شایان می گوید: این بخش به کار به تهران تارکوف اسکندریه کرده ام. به امدهام اما ساله ای که سینماگر است که چرا این جشنواره ساخت. ایران برگزار شود و دیگر تصور می توانند از آنها بدین کند. است. ایشان و صاحب نظران زیادی در سر میباید. دارند که امکان به تهران آمدن است. اگر به تهران میباید و در آنجا بتوانند به خوبی به سالن است. کتنه یکی دیگر از تماشاچیان سبک را به مردم از دست اندکاران سینما زده اما مورد فیلم ها را باید برای دیدن بلیط نداشتند و سرانجام به قیمت دوری و گاهی تا به پول بدم.



سراسری تئاتر فجر

جشنواره تئاتر چه...
تئاتر نیز پس از پشت سر گذاشتن نمایش در پهنای مختلف در وحدت. تئاتر شهر سال چهارم. سالن تئاتر شهر و تالار پس از نمایش فراورد و مورد بازدید هنرمندان شهرستانی و علاقمندان تئاتر قرار

ازدحام را موجب شده بودند دشوار می کردند



با حضور هنرمندان شهرستانی ششمین جشنواره سراسری تئاتر و سرودفجر افتتاح شد

عمومی ستاد برگزاری جشنواره انتشار یافته است. بعد از سرمقاله که پیرامون انتشار نشریه و شروع جشنواره است. متن سخنرانی سیدکمال حاج سیدجوادی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاحیه جشنواره درج شده است. علاوه بر این، در رقص آفتاب، مصاحبه مطبوعاتی سرپرست مرکز هنرهای نمایشی در مورد آنچه در ششمین جشنواره سراسر تئاتر فجر ارائه می شود و روند رشد تئاتر در ایران درج شده است. از دیگر مطالب مهم خبرنامه شماره ۱ جشنواره، گفتگو با رضا صابری نویسنده نمایشنامه «هلران» و سرپرست مرکز تئاتر خراسان دردلی از باختران (مقاله ای در کمپوها و تنگنای تئاتر در شهرستان و مشخصا در باختران). کمک ۲۰ میلیون تومانی دولت به تحول و گسترش تئاتر و تصویب آن از سوی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، گزارش مراسم افتتاحیه ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، خرها، و دست آخر مطالبی کوتاه در حاشیه جشنواره، از دیگر مطالب نخستین شماره خبرنامه به شمار میرود. لازم به یادآوری است که شماره های دوم، سوم، و چهارم این خبرنامه در روز جمعه چهارمین روز از برگزاری ششمین جشنواره سراسری تئاتر منتشر شد. در دومین بولتن خبری مصاحبه با سیدکمال جوادی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفتگو با سیدکمال نوشتن چه باید کرده درج گردید. در شماره سوم مطالبی در حاشیه نگاه، نقد نمایش، گفتگو و همچنین در چهارمین شماره، عنوان نمایشی جنگ، گزارش و بررسی، گفتگو و مطالبه است.



چهار شماره از: خبرنامه جشنواره منتشر شد
نخستین شماره خبرنامه ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، به همین نام در ۱۶ صفحه منتشر شد.
در این نشریه که از سوی انتشارات روابط

بمناسبت حلول دهه فجر، چهارمین شماره «نمایش» منتشر شد
چهارمین شماره از دوره جدید نشریه نمایش، روز پانزدهم بهمن ماه، به مناسبت دهه فجر منتشر شد.
در این شماره «نمایش» که در ۹۲ صفحه با قیمت (استثنای) ۲۰۰ ریال انتشار یافته است، می خوانیم:
تئاتر فجر، تئاتر انقلاب (سر مقاله نمایش پیرامون فرا رسیدن ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، تئاتر در انقلاب)، گفتگو با دکتر خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تحت عنوان «حقیقت هنر و جوهر انقلاب»، تحلیلی در مورد ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر و شروع آن «تئاتر انقلاب»، «عرضه تئاتر ایرانی به جهان»، «کارگردان و متن نمایش»، «اختلاف را کنار بگذارید»، «آمیزش فرهنگ ماه و کریگ تیس و تئاتر شرق» (مقاله ای از زان کاکو با ترجمه جلال ستاری، هنرپیشه و ایر عروسک خیمه شب بازی از گوردن کریگ).
از دیگر مطالب چهارمین شماره نمایش که در ارتقا، آگهی هنری خوانندگانش پیرامون هنر تئاتر و رشد آن مؤثر است. می توان از: «پرواز در صحنه (دیداری از ابرای چینی)»، «تئاتر سایه تئاتر عروسکی چین»، «هنرمند و منتقد»، «آیا کارگردانی هنری تازه است»، «دو نوع نقد تئاتر»، «آموزش تئاتر، صدا و گفتار» و «جویشی از درونه (تحلیلی از تئاتر در بلوچستان)» نام برد.
معرفی کتاب های تازه انتشار یافته در مورد تئاتر، اختیار تئاتر در ایران و جهان، نامه های رسیده و پاسخ به نامه ها و نیز برنامه تئاترهایی که در ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر اجرا می شود مطالبی است که بر غنای چهارمین شماره نمایش، افزوده است.



خبرنامه شماره ۶
ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر
۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۶

به کوشش: ناصر بزرگمهر

ویراستار: محمد وجدانی

طراح و صفحه آرا: انوشیروان میرزائی کوچکسرای

تایپ مطالب: پرویز میرزا حسینی - زهرا زنگنه

عکس: مجتبی خیرخواه - سعید نیک نژاد

تکنیر: حسین یوسفی کیا

با مطالبی از: محمد بهرامی - عزت اله مهرآوران - نصراله قادری -

حسین جعفری - محمدرضا حسن بیگی - جواد خدا دادی

سایر همکاران: طیبه محمودی - مریم کیاریان - آذر عباسزاده -

نادرخاشی ندا - مرتضی مهاجر - محمد مختاری

۱۲-۲۲ بهمن ۶۶

خداوند

شششنبه
۱۲ بهمن ۶۶

